

حفظ و ادای امانت - به معنی وسیع کلمه - و همچنین پایبند بودن به عهد و پیمان در برابر خالق و خلق از صفات بارز مؤمنان است. در مفهوم وسیع امانت، امانتهای خدا و پیامبران الهی و همچنین امانتهای مردم جمع است، نعمتهای مختلف خدا هر یک امانتی از امانات او هستند، آئین حق، کتب آسمانی، دستورالعملهای پیشوایان راه حق و همچنین اموال و فرزندان و پستوها و مقامها، همه امانتهای اویند که مؤمنان در حفظ و ادای حق آنها می کوشند تا در حیاتند از آن پاسداری می کنند و به هنگام ترک دنیا آنها را به نسلهای برومند آینده خود می سپارند، و چنین نسلی را برای پاسداری آن تربیت می کنند.

دلیل بر عمومیت مفهوم امانت در اینجا علاوه بر گستردگی و اطلاق لفظ، روایات متعددی است که در تفسیر امانت وارد شده، گاهی امانت به معنی امامت «امامان معصوم» که هر امام آن را به امام بعد از خود می سپارد تفسیر شده و گاه به مطلق ولایت و حکومت.

جالب اینکه «زراره» که از شاگردان بزرگ امام باقر (علیه السلام) و امام صادق (علیه السلام) است چنین می گوید: «منظور از جمله ان تؤدوا الامانات الی اهلها» (آیه ۵۸ سوره نساء) این است که ولایت و حکومت را به اهلش واگذارید»!.

#### تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۲۰۰

و این نشان می دهد که حکومت از مهمترین ودیعه های الهی است که باید آن را به اهلش سپرد.

همچنین دلیل عمومیت عهد و پیمان، تعبیراتی است که در سایر آیات قرآن آمده از جمله و اوفوا بعهد الله اذا عاهدتم: «به عهد خداوند وفا کنید هنگامی که عهد و پیمان بستید» (نحل - ۹۱).

قابل توجه اینکه در بعضی از آیات قرآن تعبیر به «ادای امانت» و یا «عدم خیانت در امانت» شده، در حالی که در آیه مورد بحث تعبیر به «رعایت امانت» شده که هم شامل ادا می شود هم محافظت و مراقبت کامل از آن.

بنابراین اگر کوتاهی در اصلاح چیزی که مورد امانت است باعث ضرر یا خطری بشود شخص امین موظف است که در اصلاح آن نیز بکوشد (و به این ترتیب سه کار لازم است اداء و حفظ و اصلاح).

به هر حال مسلم است که پایبند بودن به تعهدات و حفظ و ادای امانات از مهمترین پایه‌های نظام اجتماعی بشر است و بدون آنها هرج و مرج در سرتاسر جامعه به وجود خواهد آمد، به همین دلیل حتی افراد و ملت‌هایی که اعتقاد الهی و مذهبی نیز ندارند برای مصون ماندن از این هرج و مرج اجتماعی ناشی از خیانت در عهد و امانت، خود را موظف به انجام این دو برنامه - لااقل در مسائل کلی اجتماعی - می‌دانند.

در زمینه اهمیت امانت در جلد سوم تفسیر نمونه صفحه ۴۳۲ به بعد (ذیل آیه ۵۸ سوره نساء) و در جلد هفتم تفسیر نمونه صفحه ۱۳۶ (ذیل آیه ۲۷ سوره انفال) و در زمینه وفاء به عهد جلد چهارم صفحه ۲۴۲ (ذیل آیه یک سوره مائده) و جلد ۱۱ صفحه ۳۸۲ (ذیل آیه ۹۱ سوره نحل) مشروحاً بحث کرده‌ایم. بالاخره در نهمین آیه آخرین ویژگی مؤمنان را که محافظت بر نمازها است

---

#### تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۲۰۱

بیان کرده می‌گوید: «آنها کسانی هستند که در حفظ نمازهای خویش می‌کوشند» (و الذین هم علی صلواتهم یحافظون). جالب اینکه: نخستین ویژگی مؤمنان را خشوع در نماز و آخرین صفت آنها را محافظت بر نماز شمرده است، از نماز شروع می‌شود و به نماز ختم می‌گردد چرا که نماز مهمترین رابطه خلق و خالق است. نماز برترین مکتب عالی تربیت است. نماز وسیله بیداری روح و جان و بیمه کننده انسان در برابر گناهان است. خلاصه نماز هر گاه با آدابش انجام گیرد زمینه مطمئنی برای همه خوبیها و نیکیها خواهد بود.

یادآوری این نکته نیز لازم است که آیه نخست و آیه اخیر اشاره به دو مطلب متفاوت می‌کند، و به همین دلیل در آیه نخست، صلاة به صورت «مفرد» و در آیه اخیر به صورت «جمع» است، اولی به مساءله خشوع و توجه خاص درونی که روح نماز است و اثر بر تمام اعضاء می‌گذارد اشاره می‌کند، و دومی به مساءله آداب و شرائط نماز از نظر وقت و زمان و مکان و

همچنین از نظر تعداد نمازها، و به نمازگزاران و مؤمنان راستین توصیه می‌کند در همه نمازها مراقب همه این آداب و شرائط باشند. در مورد اهمیت نماز در مجلدات مختلف این تفسیر مشروحاً بحث کرده‌ایم: به جلد نهم صفحه ۲۶۷ (ذیل آیه ۱۱۴ سوره هود). و جلد چهارم صفحه ۱۰۴ (ذیل آیه ۱۰۳ سوره نساء). و جلد سیزدهم (ذیل آیه ۱۴ سوره طه) مراجعه فرمائید. بعد از ذکر این صفات ممتاز، نتیجه نهائی آن را به این صورت بیان می‌کند: «آنها وارثانند» (اولئک هم الوارثون).

---

### تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۲۰۲

همان وارثانی که فردوس و بهشت برین را به ارث می‌برند و جاودانه در آن خواهند ماند (الذین یرثون الفردوس هم فیها خالدون). «فردوس» در اصل - به گفته بعضی - یک لغت رومی است و بعضی آن را عربی و بعضی اصل آن را فارسی می‌دانند و به معنی «باغ» است، یا باغ مخصوصی که تمام نعمتها و مواهب الهی در آن جمع است و لذا می‌توان آن را به عنوان «بهشت برین» (بهترین و برترین باغهای بهشت) نامید. تعبیر به «ارث بردن» ممکن است اشاره به این باشد که مؤمنان بدون زحمت به آن می‌رسند همانند ارث که انسان زحمتی برای آن نکشیده است، درست است که نائل شدن به مقامات عالی بهشت، بسیار تلاش و کوشش و پاکی و خودسازی می‌خواهد ولی آن پاداش عظیم در مقابل این اعمال ناچیز بقدری زیاد است که گوئی انسان بی‌زحمت به آن رسیده است. توجه به این نکته نیز لازم است که در حدیثی از پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) چنین نقل شده: ما منکم من احد الا و له منزلان: منزل فی الجنة، و منزل فی النار، فان مات و دخل النار ورث اهل الجنة منزله: «هر یک از شما بدون استثنا دارای دو منزل است: منزلی در بهشت، و منزلی در دوزخ، اگر دوزخی شود و وارد جهنم گردد اهل بهشت منزلگاه او را به ارث می‌برند».

تعبیر به «ارث» در آیه مورد بحث ممکن است اشاره به این نکته نیز باشد. این احتمال را نیز بعضی از مفسران دور ندانسته‌اند که تعبیر به ارث در اینجا اشاره به سرانجام کار مؤمنان است، همچون میراث که در پایان کار به

وارث می‌رسد.

و به هر حال این مرحله عالی بهشت طبق ظاهر آیات فوق مخصوص مؤمنانی است که دارای صفات بالا هستند، به این ترتیب دیگر بهشتیان در مراحل پایینتر قرار دارند.

---

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۲۰۳

### نکته‌ها:

انتخاب فعل ماضی «افلح» در مورد رستگاری مؤمنان برای تاءکید هر چه بیشتر است، یعنی رستگاری آنها آنقدر مسلم است که گوئی قبلاً تحقق یافته، و ذکر کلمه «قد» قبل از آن نیز تاءکید دیگری برای موضوع است. تعبیراتی همچون «خاشعون» «معرضون» «راعون» و «یحافظون»... (به صورت اسم فاعل یا فعل مضارع) همه دلیل بر آن است که برنامه‌های مؤمنان راستین در این اوصاف برجسته موقتی و محدود نیست بلکه مستمر و دائمی است.

### ۲ - همسر دائم و موقت

از آیات فوق، استفاده می‌شود که تنها دو گروه از زنان بر مردان حلال هستند: نخست همسران و دیگر کنیزان (با شرائط مخصوص) و به همین جهت این آیه در کتب فقهیه در بحثهای نکاح در موارد بسیاری مورد استناد قرار گرفته است.

جمعی از مفسران و فقهای اهل سنت خواسته‌اند از این آیه شاهی برای نفی ازدواج موقت بیاورند، و بگویند آن هم در حکم زنا است!

اما با توجه به این حقیقت که «ازدواج موقت» (متعّه) به طور مسلم در زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) حلال بوده است و احدی از مسلمانان آن را انکار نمی‌کنند، منتها بعضی می‌گویند در آغاز اسلام بوده و بسیاری از صحابه نیز به آن عمل کرده‌اند سپس نسخ شده و بعضی می‌گویند: عمر بن خطاب از آن جلوگیری به عمل آورد.

با توجه به این واقعیتها مفهوم سخن این دسته از دانشمندان اهل تسنن این خواهد بود که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) العیاذ بالله زنا را - حداقل برای مدتی - مجاز شمرده است، و این غیر ممکن است.

---

از این گذشته (دقت کنید) متعه بر خلاف پندار این گروه یکنوع ازدواج است ازدواجی است موقت و دارای اکثر شرائط ازدواج دائم، بنابراین قطعا در جمله «الا علی ازواجهم» داخل است، و به همین دلیل به هنگام خواندن صیغه ازدواج موقت از همان صیغه‌های ازدواج دائم (انکحت و زوجت) با قید مدت استفاده می‌شود، و این بهترین دلیل بر ازدواج بودن آن است.

درباره ازدواج موقت و دلائل مشروعیت آن در اسلام و عدم نسخ این حکم و همچنین فلسفه اجتماعی آن و پاسخ به ایرادات مختلف در جلد سوم صفحه ۳۳۵ به بعد (ذیل آیه ۲۴ سوره نساء) مشروحا بحث کرده‌ایم.

۳ - خشوع، روح نماز است - اگر رکوع و سجود و قرائت و تسبیح را جسم نماز بدانیم، حضور قلب و توجه درونی به حقیقت نماز و کسی که با او راز و نیاز می‌کنیم روح نماز است.

خشوع نیز در واقع چیزی جز حضور قلب توأم با تواضع و ادب و احترام نیست و به این ترتیب روشن می‌شود که مؤمنان تنها به نماز به عنوان یک کالبد بی روح نمی‌نگرند بلکه تمامی توجه آنها به باطن و حقیقت نماز است.

بسیارند کسانی که اشتیاق فراوان به حضور قلب و خشوع و خضوع در نمازها دارند اما هر چه می‌کوشند توفیق آن را نمی‌یابند.

برای تحصیل خشوع و حضور قلب در نماز و سایر عبادات، امور ذیل را دقیقاً توصیه می‌کنیم:

۱ - بدست آوردن آنچنان معرفتی که دنیا را در نظر انسان کوچک و خدا را در نظر انسان بزرگ کند، تا هیچ کار دنیوی نتواند به هنگام راز و نیاز با معبود نظر او را به خود جلب و از خدا منحرف سازد.

۲ - توجه به کارهای پراکنده و مختلف، معمولاً مانع تمرکز حواس است

و هر قدر انسان، توفیق پیدا کند که مشغله‌های مشوش و پراکنده را کم کند به حضور قلب در عبادات خود کمک کرده است.

۳ - انتخاب محل و مکان نماز و سایر عبادات نیز در این امر، اثر دارد، به همین دلیل، نماز خواندن در برابر اشیاء و چیزهائی که ذهن انسان را به خود مشغول می‌دارد مکروه است، و همچنین در برابر درهای باز و محل عبور و

مرور مردم، درمقابل آئینه و عکس و مانند اینها، به همین دلیل معابد مسلمین هر قدر ساده‌تر و خالی از زرق و برق و تشریفات باشد بهتر است چرا که به حضور قلب کمک می‌کند.

۴ - پرهیز از گناه نیز عامل مؤثری است، زیرا گناه قلب را از خدا دور می‌سازد، و از حضور قلب می‌کاهد.

۵ - آشنائی به معنی نماز و فلسفه افعال و اذکار آن، عامل مؤثر دیگری است.

۶ - انجام مستحبات نماز و آداب مخصوص آن چه در مقدمات و چه در اصل نماز نیز کمک مؤثری به این امر می‌کند.

۷ - از همه اینها گذشته این کار، مانند هر کار دیگر نیاز به مراقبت و تمرین و استمرار و پیگیری دارد، بسیار می‌شود که در آغاز انسان در تمام نماز یک لحظه کوتاه قدرت تمرکز فکر پیدا می‌کند، اما با ادامه این کار و پیگیری و تداوم آنچنان قدرت نفس پیدا می‌کند که می‌تواند به هنگام نماز دریچه‌های فکر خود را بر غیر معبود مطلقاً ببندد! (دقت کنید).

---

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۲۰۶

آیه ۱۲ - ۱۶

آیه و ترجمه:

و لقد خلقنا الانسان من سلاله من طين ۱۲

ثم جعلناه نطفه في قرار مكين ۱۳

ثم خلقنا النطفه علقه فخلقنا العلقه مضغه فخلقنا المضغه عظاما فكسونا

العظام لحما ثم انشأناه خلقا اخر فتبارك الله احسن الخالقين ۱۴

ثم انكم بعد ذلك لميتون ۱۵

ثم انكم يوم القيمة تبعثون ۱۶

ترجمه :

۱۲ - ما انسان را از عصاره‌ای از گل آفریدیم.

۱۳ - سپس آن را نطفه‌ای در قرارگاه مطمئن (رحم) قرار دادیم.

۱۴ - سپس نطفه را به صورت علقه (خون بسته) و علقه را به صورت

مضغه (چیزی شبیه گوشت جویده) و مضغه را به صورت استخوانهایی در

آوردیم، از آن پس آن را آفرینش تازه‌ای ایجاد کردیم، بزرگ است خدائی که

بهترین خلق‌کنندگان است!

۱۵ - سپس شما بعد از آن می‌میرید.

۱۶ - سپس در روز قیامت برانگیخته می‌شوید.

**تفسیر:**

### مراحل تکامل جنین در رحم مادر

ذکر اوصاف مؤمنان راستین و همچنین پاداش بی‌نظیری که خداوند به آنها می‌دهد در آیات گذشته، این شوق را در دلها زنده می‌کند که باید به صفوف آنها پیوست، اما از چه راهی؟ و از کدام طریق؟ آیات مورد بحث و قسمتی از آیات آینده، طرق اساسی تحصیل ایمان و معرفت را نشان می‌دهد، نخست دست انسان را گرفته و به کاوش در اسرار درون و

---

### تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۲۰۷

«سیر در عالم انفس» و می‌دارد، و در آیاتی که بعد از آن خواهد آمد او را به جهان برون و موجودات شگرف عالم هستی توجه می‌دهد و به «سیر آفاقی» می‌پردازد.

نخست می‌گوید: «ما انسان را از چکیده و خلاصه‌ای از گل آفریدیم» (و لقد خلقنا الانسان من سلاله من طین).

آری این گام نخست است که انسان با آن عظمت، با آن همه استعداد و شایستگی‌ها این افضل مخلوقات و برترین موجودات جهان از خاکی بی‌ارزش است همان خاکی که در کم ارزش بودن ضرب المثل است، و این نهایت قدرتمندی او است که از چنین مواد ساده‌ای چنان موجود بدیعی آفرید. در آیه بعد اضافه می‌کند:

«سپس او را نطفه‌ای قرار دادیم در قرارگاه امن و امانی» (ثم جعلناه نطفه فی قرار مکین).

در حقیقت نخستین آیه به آغاز وجود همه انسانها اعم از آدم و فرزندان او اشاره می‌کند که همه به خاک باز می‌گردند و از گل برخاسته‌اند، اما در دومین آیه به تداوم نسل آدم از طریق ترکیب نطفه نر و ماده و قرار گرفتن در قرارگاه رحم توجه می‌دهد.

در حقیقت این بحث شبیه تعبیری است که در آیات ۷ و ۸ سوره سجده آمده است: و بدء خلق الانسان من طین ثم جعل نسله من سلاله من ماء

مهمین» آغاز آفرینش انسان را از گل قرار داد و نسل او را از چکیده‌ای از آب بی‌ارزش».

تعبیر از رحم به «قرار مکین» (قرارگاه امن و امان) اشاره به موقعیت خاص رحم در بدن انسان است، در واقع در محفوظترین نقطه بدن که از هر طرف

---

#### تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۲۰۸

کاملاً تحت حفاظت است قرار گرفته، ستون فقرات و دنده‌ها از یک سو، استخوان نیرومند لگن خاصره از سوی دیگر، پوششهای متعدد شکم از سوی سوم حفاظتی که از ناحیه دستها به عمل می‌آید از سوی چهارم، همگی شواهد این قرارگاه امن و امان است.

بعد به مراحل شگفت‌آور و بهت‌آور سیر نطفه در رحم مادر و چهره‌های گوناگون خلقت که یکی بعد از دیگری در آن قرارگاه امن و دور از دست بشر ظاهر می‌شود اشاره کرده می‌فرماید: «سپس ما نطفه را به صورت خون بسته‌ای درآوردیم و بعد این خون بسته را به «مضغه» که شبیه گوشت جویده است تبدیل کردیم و بعداً آن را به صورت استخوان درآوردیم، و از آن پس بر استخوانها گوشت پوشاندیم» (ثم خلقنا النطفة علقه فخلقنا العلقه مضغه فخلقنا المضغة عظامافكسونا العظام لحما).

این چهار مرحله متفاوت که به اضافه مرحله نطفه بودن، مراحل پنجگانه‌ای را تشکیل می‌دهد هر کدام برای خود عالم عجیبی دارد مملو از شگفتیه‌ها که در علم جنین‌شناسی امروز دقیقاً مورد بررسی قرار گرفته و پیرامون آن کتابها نوشته‌اند، ولی روزی که قرآن از این مراحل مختلف خلقت جنینی انسان و شگفتیه‌های آن سخن می‌گفت، اثری از این علم و دانش نبود.

و در پایان آیه به آخرین مرحله که در واقع مهمترین مرحله آفرینش بشر است بایک تعبیر سر بسته و پر معنی اشاره کرده می‌فرماید: «سپس ما او را آفرینش تازه‌ای بخشیدیم» (ثم انشأنه خلقاً آخر).

«بزرگ و پر برکت است خدائی که بهترین خلق کنندگان است» (فتبارک الله احسن الخالقین).

آفرین بر این قدرتمائی بی‌نظیر که در ظلمت‌کده رحم این چنین تصویر

---



بدیعی با اینهمه عجائب و شگفتیها بر قطره آبی نقش می‌زند. آفرین بر آن علم و حکمتی که اینهمه استعداد و لیاقت و شایستگی را در چنین موجود ناچیزی ایجاد می‌کند، آفرین بر او و بر خلقت بی نظیرش. ضمناً باید توجه داشت که «خالق» از ماده خلق، و خلق در اصل به معنی اندازه‌گیری است، هنگامی که یک قطعه چرم را برای بریدن، اندازه‌گیری می‌کنند، عرب واژه «خلق» در باره آن به کار می‌برد، و از آنجا که در آفرینش مسأله اندازه‌گیری بیش از همه چیز اهمیت دارد این کلمه خلق در باره آن به کار رفته است.

تعبیر به «احسن الخالقین» (بهترین آفرینندگان) این سؤال را به وجود می‌آورد که مگر غیر از خدا آفریدگار دیگری وجود دارد؟! بعضی از مفسران توجیهات گوناگونی برای آیه کرده‌اند، در حالی که نیازی به این توجیهات نیست، و کلمه خلق به معنی اندازه‌گیری و صنعت درباره غیر خداوند نیز صادق است، ولی البته خلق خدا با خلق غیر او از جهات گوناگونی متفاوت است:

- خداوند ماده و صورت اشیاء را می‌آفریند، در حالی که اگر انسان بخواهد چیزی ایجاد کند تنها می‌تواند با استفاده از مواد موجود این جهان صورت تازه‌ای به آن ببخشد مثلاً از مصالح ساختمانی خانه‌ای بسازد، یا از آهن و فولاد، اتومبیل یا کارخانه‌ای اختراع کند.

- از سوئی دیگر خلقت و آفرینش خداوند، نامحدود است و او آفریدگار همه چیز است الله خالق کل شیء (سوره رعد آیه ۱۶) در حالی انسان موجودات بسیار محدودی را می‌تواند ابداع کند، و گاه تواءم با انواع ضعفها و نقصها است که در جریان عمل باید آنها را تکمیل کند، اما خلق و ابداع پروردگار خالی از هر گونه عیب و نقص است.

- از سوی سوم در آنجا که انسان توانائی بر این امر پیدا می‌کند، آن نیز به اذن

و فرمان خدا است که بی اذن او در عالم حتی برگی بر درختی نمی‌جنبد چنانکه درباره حضرت مسیح (علیه السلام) در سوره مائده آیه ۱۱۰ می‌خوانیم و از تخلق من الطین کهیئة الطیر باذنی: «در آن هنگام که تو از گل، صورتی

همچون صورت پرنده به اذن من خلق می کردی».

آیه بعد از مساءله توحید و شناخت مبدء به طرز زیبا و ظریفی به مساءله «معاد» منتقل می شود، و می گوید: این انسان با همه شگفتیهایش تا ابد زنده نمی ماند، زمانی فرا می رسد که این ساختمان عجیب از هم فرو می ریزد و شما بعد از این زندگی همگی می میرید (ثم انکم بعد ذلک لمیتون).

← بعد

↑ نفرت

→ قبل